

Possibility of Realizing the Public Sphere in the Epistemological Program of the Islamic Republic of Iran TV

Seyed Mohammad Mahdizadeh: Associate Professor of the Educational Department of Communication Studies, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabai University.
email: m.mahdizadeh@atu.ac.ir

Mehrza Bahmani: PhD in Communication Sciences, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabai University (corresponding author), Tehran, Iran. **email:** mehrsa.bahmani@gmail.com

Epistemological texts are media situations in which the access of discourses in the media is analyzed. In this article, by focusing on the epistemological texts of the IRI Television, an attempt has been made to examine the process of stabilization and reproduction of the dominant discourse in a systematic way, in order to determine with what strategies this discourse gains its legitimacy and acceptability.

For this purpose, Zawiya video magazine, which is considered one of the radio programs in the field of humanities was selected as case sample of the research and 44 parts of the program were selected and analyzed with critical discourse analysis method, during the years 2018 to September 2021. According to the results of this research, this program, in hidden layers, with centralization of the central signifier of pure Muhammadan Islam, with discourse strategies such as alienation, reproduction of "self" and "other", hegemonic intervention, labeling, contamination and... destroys the foundation of the intellectual system of opposing discourses. According to the results, this program raises the demand of helping the public sphere in the superficial layers; But with a systematic study, it became clear that the discursive conflicts are formulated; It is not in the direction of forming a public domain, but simply in the direction of stabilizing the discourse, and this program displays a reduced version of the public domain, behind which the discourse goals are hidden.

Keywords: Television, hegemonic discourse, oppositional discourse, foundation-breaking, revolutionary subject, subject in suspension, public domain.

How to cite this paper: Mahdizadeh, S.M. & Bahmani, M. (2024). Possibility of Realizing the Public Sphere in the Epistemological Program of the Islamic Republic of Iran TV. *Rasaneh*, 35(1), 29-54. [In persian]

امکان تحقق حوزه عمومی در برنامه معرفتی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران

نوشته

سید محمد مهدی زاده*

مهرداد بهمنی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

چکیده

متون معرفتی از موقعیت‌های رسانه‌ای هستند که در چارچوب آن‌ها نحوه دسترسی گفتمان‌ها در رسانه، واکاوی می‌شود. در این مقاله، با تمرکز بر متون معرفتی تلویزیون جمهوری اسلامی، تلاش شده است، فرایند تثبیت و بازتولید گفتمان مسلط، به شیوه‌ای نظام‌مند بررسی شود، تا مشخص شود این گفتمان با چه راهبردی‌هایی مشروعیت و مقبولیت خود را کسب می‌کند. بدین منظور، مجله تصویری زاویه که از برنامه‌های صداوسیما در حوزه علوم انسانی محسوب می‌شود؛ به عنوان نمونه موردی پژوهش، انتخاب و با روش تحلیل گفتمان انتقادی ۴۴ قسمت از آن، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۴۰۰، بررسی شده است. طبق نتایج این پژوهش، این برنامه، در لایه‌های مستتر، با مرکزیت قرار دادن دال محوری اسلام ناب محمدی، با راهبردهای گفتمانی همچون غیریت‌مندی، بازتولید "خود" و "دیگری"، مداخله هژمونیک، برچسب‌زنی، آلوده‌انگاری و ... از نظام فکری گفتمان‌های معارض، شالوده‌شکنی می‌کند. طبق نتایج، این برنامه در لایه‌های سطحی، داعیه یاری‌رسانی به حوزه عمومی را مطرح می‌سازد؛ اما با مطالعه نظام‌مند مشخص شد منازعات گفتمانی صورت‌بندی شده؛ نه در جهت تشکیل حوزه عمومی، بلکه فقط در جهت تثبیت گفتمانی است و این برنامه نسخه تقلیل‌یافته‌ای از حوزه عمومی را به نمایش می‌گذارد که در ورای آن، اهداف گفتمانی مستتر است.

کلیدواژه: تلویزیون، گفتمان هژمونیک، گفتمان معارض، شالوده‌شکنی، سوژه انقلابی، سوژه در تعلیق، حوزه عمومی.

* دانشیار گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

m.mahdizadeh@atu.ac.ir

** دکتری علوم ارتباطات دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، تهران، ایران

Mehrsa.bahmani@gmail.com

نحوه استناد به این مقاله: مهدی‌زاده، سید محمد و بهمنی، مهرداد (۱۴۰۳). امکان تحقق حوزه عمومی در برنامه معرفتی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران. رسانه، ۳۵(۱)، ۲۹-۵۴.

بیان مسئله

طبق قوانین حاکم بر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران^۱، انقلاب اسلامی، دال مرکزی و هویت بخش این سازمان معرفی می شود و در اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، صداوسیما به عنوان یکی از مجریان این حوزه، ملزم به پیاده سازی سیاست های انقلاب و تعمیق بخشی به تفکر انقلابی و تبیین شعارها و مبانی آن برای سوژه های انسانی معرفی می شود.^۳

برای تحقق چنین چشم انداز رسانه ای و تبدیل شدن این رسانه به رسانه ای در تراز انقلاب اسلامی، متون معرفتی تولید شده در این رسانه، از ظرفیت هایی محسوب می شوند که به واسطه آنها، تثبیت و باز تولید^۴ گفتمان انقلاب اسلامی، محقق می شود؛ این متون با دسترسی^۵ دادن به این جهان بینی و نظام معنایی برخاسته از آن، اهداف گفتمانی را پیگیری می کنند.

یکی از چالش هایی که این گفتمان همواره با آن مواجه است حفظ مشروعیت و مقبولیت در مواجهه با فعالیت رسانه های معارض است. به طوری که، مرجعیت معنایی آن پیوسته از جانب رسانه های رقبا به چالش کشیده می شود. نکته قابل تأمل آنکه به واسطه حضور گفتمان های متکثر در ساحت اندیشه، به عنوان دگرگفتمان انقلاب اسلامی این مسئله با جدیت بیشتری پیگیری می شود؛ گفتمان هایی که با سازوکاری که در اختیار دارند به تکوین و تثبیت خود می پردازند و در یک گام فراتر، رسوب شدگی^۶، نظام فکری انقلاب اسلامی را در معرض استحاله، قرار می دهند. روشنفکری دینی، غرب گرایی، باستان گرایی و مارکسیسم، تنها نمونه ای از این گفتمان ها، محسوب می شود که سوژه های کثیری را، ذیل گفتمان خود گرد هم می آورند و با راهبردهای های برجسته سازی و حاشیه رانی در رسانه هایی که در اختیار دارند، خلأ و شکاف های نظام فکری انقلاب اسلامی را افشا می کنند. از همین رو، تلویزیون در حالی متون معرفتی را در دستور کار برنامه سازی خود قرار می دهد که فعالیت های رسانه ای اش از سوی رقبای حرفه ای به چالش کشیده می شود. بی بی سی فارسی، تنها نمونه ای از فعالیت های رسانه ای گفتمان های معارض است که با تدارک بسته های معرفتی چون برنامه پرگار، به عرفی سازی امر مقدس می پردازد و با ترویج فرهنگ سکولار، ذیل گفتمان لیبرالیسم - سرمایه داری، گفتمان حاکم بر صداوسیما جمهوری اسلامی را به چالش می کشد.

۱. قانون اساسی، اساس نامه سازمان صداوسیما، قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و همچنین اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

2. Subject

۳. قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۱/۴/۱۷

4. Reproduction

5. Access

6. Sedimentation

برنامه معرفتی گفت‌وگو محور مجله تصویری زاویه^۱ که بیش از یک دهه از پخش آن می‌گذرد نمونه‌ای از برنامه‌های معرفتی صداوسیما محسوب می‌شود که در تلاش است به شبها و وارده از سوی گفتمان‌های معارض پاسخ دهد. با توجه به رسالت برنامه و همچنین در سرمقاله‌های مختلفی در این برنامه، حفاظت و حراست از حوزه عمومی^۲ جزئی از رسالت این برنامه برشمرده می‌شود. با توجه به رسالت‌های تعریف شده از این برنامه، ملاحظه می‌شود چنین اهدافی با چشم‌اندازی که از تلویزیون تعریف شده، در تعارض است. با این حال، آنچه در عمل رخ می‌دهد این است که این برنامه با استناد به ظرفیت‌هایی چون گفت‌وگو و کنش ارتباطی که جنبه فی‌البداهگی و زنده بودن در آن لحاظ می‌شود؛ القاگر حرکت به سمت مباحث حوزه عمومی برای سوژه‌های خود است.

در اینجا سؤالی کلیدی مطرح می‌شود؛ آیا از سازمان رسانه‌ای که چشم‌انداز سازمانی و گفتمانی برای آن تدارک دیده شده است، می‌توان انتظارات رسانه‌ای چون رهایی بخشی، گفت‌وگوی سالم، تشکیل حوزه عمومی، تکثر گفتمانی، تضارب آرا و چندصدایی داشت و به چه شیوه این دو سویه قابل جمع هستند. ایده این پژوهش نیز برآمده از همین دوگانگی است و در صدد است نشان دهد، گفتمان انقلاب اسلامی در وهله نخست، با این برنامه در چه نسبتی قرار دارد و از سوی دیگر، توصیفی روشمند از وضعیت مفاهیمی چون قدرت، دانش، آگاهی، حوزه عمومی و تضارب آرا که به تواتر به آن ارجاع داده می‌شود، ارائه کند. در مقاله حاضر در پی این هستیم که نشان دهیم این پارادوکس چگونه تجمیع پذیر شده است. پژوهش حاضر با افشای ژرف ساخت^۳ متون تولیدی و رمزگان جای‌گیری شده در آن، به شیوه نظام مند، نشان خواهد داد، در تلویزیون از چه سازوکارهایی بهره گرفته می‌شود تا با تثبیت معنا، مشروعیت و مقبولیت گفتمان انقلاب اسلامی نزد سوژه‌ها، تنظیم شود. بسته‌های معرفتی تولید شده برای مخاطبان، از چه زبانی و با چه مفصل‌بندی، آگاهی را صورت‌بندی می‌کنند و در نهایت، با چه راهبردهایی به شبها گفتمان‌های معارض پاسخ داده می‌شود.

پیشینه پژوهش

انیس رحمان (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "تلویزیون و حوزه عمومی در بنگلادش" با روش مطالعه تطبیقی و نظری در پی پاسخ به این پرسش است که آیا صنعت تلویزیون و رشد آن، حوزه عمومی دموکراتیک در بنگلادش را محقق کرده است؟

۱. مجله علوم انسانی زاویه در ۱۶ فصل از سال ۱۳۸۹ با سردبیری‌های مختلف از شبکه ۴ سیما در حال پخش است.

2. Public sphere
3. Deep structure

بروگنولی^۱ در سال (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "زبان و ایدئولوژی: مطالعه موردی خیابان سسامی" ایدئولوژی‌های مستتر در متن را مطالعه گفتمانی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌های اجتماعی سیاسی فرهنگ مسلط در متن رسانه‌ای کدگذاری می‌شود. عارف دانیالی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "سکولاریسم؛ گفتمان هژمونیک برنامه پراگار" با روش تحلیل گفتمان به این نتیجه رسیده است که محور گفت‌وگوهای این برنامه فضای استعاره‌ی گفتمان سکولاریستی غرب را صورت‌بندی می‌کند و به فرایند سکولاریزه کردن تجربه‌های انسانی در پنج حوزه دین، سیاست، اخلاق، تاریخ و هنر می‌پردازد. محمد مهدی فرقانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی شیوه‌های طبقه‌بندی اعضا در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی: رویکردی تحلیلی گفتمانی به برنامه‌های متمرکز بر موضوع‌های دینی پراگار" با هدف بررسی شیوه‌های طبقه‌بندی اعضا تلاش کرده‌اند عناصر کلیدی برگرفته از پژوهش ساکس در پیوند معناشناسانه با الگوی سه مرحله‌ای نورمن فرکلاف را توصیف، تفسیر و تبیین کنند.

ادبیات و مفاهیم پژوهش سوژگی و گفتمان

شیوه نگرش مدرنیستی به سوژه، تا ابتدای قرن بیستم، در فضای جهان‌بینی حاکم بر جهان، قوت داشت؛ سوژه‌ای که پیوند عمیقی با عاملیت و کنشگری خرد خودبنیاد دارد. آلن می‌گوید: «سوژه کسی است که می‌تواند بر پدیده‌های دیگر اعمال قدرت کند و آن‌ها را در جایگاه ایزه قرار دهد» (آلن، ۲۰۰۲: ۱۴۷). با وجود این، تفکرات این سنت رفته‌رفته در تمامی حوزه‌ها، به چالش کشیده شد و مورد انتقاد، جدال فکری و تبیین‌های مختلف از سوی اندیشمندان بنام قرار می‌گیرد. مارکس، نیچه^۲ و فروید^۳ با تشکیک در "کوگیتو"^۴ی دکارت، فلسفه بنیادین سوژه مدرن را به چالش می‌کشند و نقد سوژه مدرن را مطرح می‌سازند. از منظر آن‌ها خرد، آنچنان در تعیین رفتار انسانی یکه‌تاز و تعیین‌کننده نیست و وجوه دیگری چون ناخودآگاه^۵، ثروت و قدرت نقش‌آفرینی می‌کنند.

از سال ۱۹۶۰ به بعد، سنتی که مفهوم سوژه مدرن را دچار چرخش اساسی می‌کند با تعبیر پسا ساختارگرایی^۶ و پسامدرن^۷ مفصل‌بندی می‌شود و نوعی شالوده‌شکنی را در مفهوم

1. Brognolli
2. Allen
3. Nietzsche
4. Freud
5. Unconscious
6. Poststructuralism
7. Postmodern

سوژه خودمختار رقم می‌زند. در این رویکرد، صورت‌بندی مفهوم سوژه مدرن، اندیشمندان را مدام به سوی بازاندیشی در خود و مناسبات خود با هستی، رهنمون می‌سازد. تا جایی که با اصطلاحاتی چون "مرگ سوژه" و "بحران سوژه" به‌عنوان مفاهیم و اندیشه‌محوری در این سنت، مواجه هستیم. این سنت بر این باور است که پاسخی که در عصر مدرن به پرسش کیستی و هویت ارائه شده است، پاسخ قانع‌کننده‌ای نیست و انتقادهای اساسی بر آن وارد است. این سوژه ممتنع‌الوجود، تنها وانمود می‌کند که حیات و وجودی مستقل از میل و شرایط محدودکننده زبان و قدرت دارد. تصویری که از سوژه پسامدرن ارائه می‌شود، سوژه‌ای است که از یکپارچگی خود جدا شده است؛ در واقع، سوژه یکپارچه توهمی دلخوش‌کننده است که در تباری با فرهنگ پدید می‌آید، زیرا فرهنگ نیز در اندیشه این است که تصویری باثبات و منسجم از خود و سوژه ارائه دهد؛ حال آنکه، سوژه در واقعیت به شدت متزلزل و چندپاره است (تایسن^۱، ۱۳۹۴: ۴۲۲).

رسانه و استیضاح سوژه

"آلتوسر" سوژه‌بودگی را در ارتباط با ایدئولوژی توضیح می‌دهد. وی در نخستین تعریف از ایدئولوژی، آن را نظامی می‌داند از بازنمایی که از وجودی تاریخی و نقشی خاص در یک جامعه معین برخوردار است (فرتز، ۱۳۸۷: ۱۰۵). در آرای آلتوسر، سوژه‌ها از طریق سازوکارهای ایدئولوژیک فراخوانده می‌شوند، مجموعه نهادهای دستگاه ایدئولوژیک دولت، نظام‌هایی از عقاید و ارزش‌ها را بازتولید می‌کنند که سوژه‌ها به‌عنوان افراد جامعه، به آن‌ها باور دارند (آلتوسر، ۱۹۹۵: ۱۲۵). رسانه‌ها در دستگاه‌های ایدئولوژیک‌ساز قرار می‌گیرند و به سوژه‌سازی مدنظر دولت می‌پردازند و گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های حاکمه را به درون سوژه‌ها به‌طور نامحسوس انتقال می‌دهند. در این مکانیسم افراد چنان شکل می‌گیرند گویی، سوژه‌های بنیان‌گذار و هم‌جهت و هم‌سو با دولت‌اند. رسانه‌ها از چنان ظرفیتی برخوردارند که با دستکاری‌ها و مدیریت‌های محتوا، به خلق سوژه‌های ایدئولوژیک و برساخت آن‌ها می‌پردازد. در نتیجه، جهان واقعی چیزی نیست که به‌صورت عینی، بیرون از ما وجود داشته باشد، بلکه محصول بازنمایی‌های ایدئولوژیک است که بخشی از آن بر عهده رسانه‌ها قرار دارد.

رسانه؛ ابژه قدرت

در بررسی رابطه رسانه‌ها و قدرت، فوکو معتقد است این نهادها برآمده از روابط قدرت هستند و در تلاش‌اند به حفظ آن بپردازند. بخشی از آرای فوکو در این پرسش تلخیص می‌شود؛

1. Tyson
2. Ideology

وقتی کسی از انسان مراقبت می‌کند، چه چیزی به او می‌بخشد و چه چیزی از او می‌ستاید؟ از نظر فوکو، همیشه چشمانی هستند که انسان را می‌بینند و می‌پایند و از او مراقبت می‌کنند. فوکو بر این باور است که انسان مدرن در انحصار تراکمی از چشم‌ها قرار دارد؛ چراکه لازمه دنیای مدرن، همین حس دیده‌شدگی است. حس سراسربین^۱، حسی همیشگی و همه‌جایی است. در این میان، رسانه‌ها از سازوکارهای نظارت محسوب می‌شوند؛ رسانه‌ها مکانیسم‌ها یا دستگاه‌هایی هستند که قدرت گفتمان از طریق آن‌ها اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، رسانه‌ها ابزار مراقبت و کنترل دائمی هستند. رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون، این قدرت را دارند که ضمن آشکار و مرئی ساختن انواع خاصی از باورها و شکل دادن به رفتارها، بقیه ایده‌ها و باورها را حذف کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

رسانه و انشقاق سوژه

جایگاه رسانه در اندیشه ژاک لکان^۲ را باید با توجه به زبان و امر نمادین، تحلیل و بررسی کرد. در آرای وی زبان است که مرز جهان بشری را مشخص می‌کند و انسان مطیع این نظام نمادین است و حدود مرز سوژگی وی نیز، تحت کنترل چنین نظامی قرار دارد. یکی از وجوه نظم نمادین که متأثر از قوانین زبان و نماد است، رسانه‌ها هستند؛ تا جایی که رسانه‌ها از یک سو با بازتولید نظم نمادین در جایگاه "دیگری بزرگ" قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، با به تصویر کشیدن نظم‌های تصویری، فقدان انسان را پدیدار می‌سازند. هر چند رسانه‌ها با برساخت‌های زبانی و فرهنگی از طریق مکانیسم‌هایی چون هم‌ذات‌پنداری به ساخت هویت، کمک می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۹) اما، طی این فرایند، هم‌ذات‌پنداری کامل هرگز رخ نمی‌دهد و سوژه به دلیل توهمات تصویری، با فقدان خود مواجه می‌شود. هم‌ذات‌پنداری انسان به مدد رسانه‌ها، بازگوکننده هم‌ذات‌پنداری مرحله آینگی است که در آن کودک، از قدرت واهی خود مشعوف است. قدرتی که شکننده و زایل‌شدنی است.

جهان تصویری که رسانه‌ها بازنمایی می‌کنند، توهمی بیش نیست که تنها می‌تواند سوژه را متوجه فقدان همیشگی خود کند. رسانه‌ها لحظاتی هم‌ذات‌پنداری با دنیای تصویری را با مکانیسم‌هایی چون خلق فانتزی^۳، به ذهن مخاطب متبادر می‌سازند؛ اما واقعیت امر این است که جهان تصاویر، بسان جهان کودک شش ماهه مرحله آینگی است که، دچار قدرت کاذب و سرخوشی زایل‌شونده شده است و تحت تأثیر "قانون پدر"، همیشه در معرض تهدید است (فراهانی، ۱۳۹۳: ۳۳).

1. Panopticon
2. Jacques Lacan
3. Fantasy

رسانه و سوژه در فرایند

نظریه آلوده‌انگاری^۱ کریستوا را می‌توان در نسبت با رسانه خوانش کرد. کریستوا می‌نویسد ما امر آلوده را با وجود غیریتش در مجاورت خود می‌بینیم، بی‌آنکه بتواند به ما بپیوندد. امر آلوده، گاه "دیگری" است که از درون برمی‌آید و به سرعت در صدد دفع آن برمی‌آیم؛ چراکه باید از تمامیت مرزهای خود دفاع کنیم. ما نمی‌توانیم به راحتی خودمان را از امر آلوده‌ای که همواره به دنبال در دام انداختن ماست، رهایی ببخشیم (آریا، ۲۰۱۴: ۴) و این شرایط همواره وجود دارد. ترس از دیگری، یکی از عنصرهای محوری فرایند آلوده‌انگاری در عرصه اجتماع است. این ترس از دیگری، می‌تواند هم از جانب یک فرد پدیدار شود و هم از جانب گروهی از جامعه که به حاشیه رانده شده‌اند یا پست تلقی می‌شوند؛ چراکه تفاوت‌هایشان برای سایر افراد، قابل درک نیست. آن‌ها برای افراد جامعه یک تهدید تلقی می‌شوند، بنابراین طرد آن‌ها از رسانه امری مشروع به نظر می‌رسد (امینی، ۱۳۹۷: ۵۰).

رسانه و سوژه پیش‌تعیین‌شده

در آرای لاکلا و موفه، سوژه اساساً از پیش تعیین شده است و کارگفتمان، خلق موقعیتی است که در آن سوژه خلق و تعیین می‌شود (فراشی، ۱۳۹۸: ۳۶). لاکلا و موفه، نوعی آزادی نسبی را برای سوژه مفروض می‌دارند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). در منظر آن‌ها، با بی‌قراری‌هایی که برای گفتمان‌ها رخ می‌دهند، این فرصت به سوژه‌ها اعطا می‌شود که آزادی اراده و استقلال خود را احیا کنند و با به محاق رفتن یک گفتمان، قدرت‌یابی هر چند کوتاه سوژه‌ها، تحقق یابد. رسانه‌ها با ورود در این حوزه، مشروعیت و مقبولیت نزد سوژه‌ها را دستکاری می‌کنند. وقتی معنای یک گفتمان در ذهن سوژه تثبیت شد، آن‌گاه آن گفتمان کل رفتار و گفتار سوژه‌ها را در اختیار خود می‌گیرد و به واسطه این امر، همچنان تلاش می‌کند دامنه گستره معنایی خود را افزایش دهد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۶۲-۱۶۳). رسانه‌ها شیوه اندیشه و عمل سوژه‌های انسانی را صورت‌بندی می‌کنند. آن‌ها با بازنمایی کشمکش‌های گفتمانی، هویت سوژه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و اندیشه‌های گفتمان‌های معارض را تشریح می‌سازند. (عاشوری، ۱۳۹۲: ۳۱). همان‌طور که برای تثبیت گفتمان‌ها به ابزار فرهنگی چون رسانه‌ها نیاز است، برای درهم شکستن هژمونی طبقه مسلط در جوامع دموکراتیک نیز از رسانه‌ها می‌توان بهره برد. رسانه‌ها با به حرکت در آوردن توده‌ها و تولید آگاهی‌های انقلابی و نشان‌دادن خلاهای گفتمان و بی‌قراری‌ها، جایگاه گفتمان را متزلزل و بستری را فراهم ساختند که کسوف گفتمان رقم خورد.

1. Abjection
2. Arya

رسانه‌ها و سوژه پویا

در زمانه‌ای که سخن از مرگ سوژه، سوژه خط‌خورده و سوژه در چنبره قدرت بود، هابرماس^۱ با نقد درونی از مدرنیته، بارقه‌های امید و جهت‌گیری سوژه مدرن، مطرح ساخت. در تلقی هابرماس، سوژه موجودی شکننده است که با فراهم شدن بستر بین‌الذهانیت، قادر است تثبیت شود. در واقع شرط کلیدی رهایی و استقرار سوژه، همانا گذشتن از مرز عقلانیت ابزاری است (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۳۲). عقل ابزاری دلالت بر فرایندی دارد که در آن، کنشگران، بر مبنای محاسبه سود و زیان حاصل از کنش، به یک انتخاب عقلانی دست می‌زنند. در مقابل، کنش عقلانیت ارتباطی^۲ فرایندی است که در آن مسائل مهم روز، به شیوه عقلانی و با دلیل و منطق به بحث گذاشته می‌شود (رد و بوید^۳، ۲۰۱۶: ۲۳) و زمینه بروز حوزه عمومی، منطبق با فضای عقلانی و گشوده، فراهم می‌شود (هابرماس، ۱۹۸۲: ۳۵).

هابرماس، به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن کنشگران بتوانند بدون تحریف، با یکدیگر ارتباط داشته باشند؛ این ارتباط تنها مبتنی بر استدلال و منطق باشد و هیچ‌گونه اجبار و الزامی در آن مداخله نکند. او می‌خواهد، دوباره، حوزه عمومی را با طرح کنش ارتباطی احیا کند. سوژه اجتماعی که هابرماس از آن یاد می‌کند، بستری را می‌طلبد که در آن گفت‌وگوی دو طرفه، امکان تعیین یابد و همین امر اندیشه مرگ سوژه را به چالش می‌کشد؛ از منظر وی حقیقت در روند گفت‌وگو، ساخته می‌شود (هابرماس، ۱۳۹۲: ۵۲۵). هابرماس، تحقق حوزه عمومی را منوط به پشتیبانی رسانه‌ها می‌داند. این حوزه به‌عنوان بخشی از زندگی اجتماعی، قلمداد می‌شود که در آن، شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره امور پیردازند که از نظر آن‌ها، برای تأمین مصالح عامه، اهمیت دارد و از این طریق است که افکار عمومی شکل می‌گیرد. البته آنچه در عمل رخ می‌دهد، با انتظار نخستین از رسانه‌ها سازگاری ندارد؛ چراکه از نظر هابرماس، در جوامع سرمایه‌داری معاصر، رسانه‌ها از نقش مثبت خود در دوران اولیه ظهور و رشد حوزه عمومی بورژوازی، فاصله گرفته و به بخشی از سیستم مسلط قدرت و ثروت مبدل شده‌اند (اباذری، ۱۳۷۷: ۶۱). با این حال باید گفت ادامه حیات حکومت‌ها، منوط به تحقق جامعه مردم‌سالار و کسب مشروعیت مداوم است (زمانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۲). رسانه‌ها می‌توانند در مقام تسهیلگر در این حوزه کنشگری کنند.

روش پژوهش

از بین روش‌های کیفی، روش تحلیل گفتمان (رویکرد لاکلا و موفه) برای رصد اهداف پژوهش انتخاب شده است.

1. Habermas
2. Communicative rationality
3. Reed & Boyd

از بازه زمانی (۱۳۹۷ تا شهریور سال ۱۴۰۰) ۴۴ قسمت از ۸۱ قسمت، با توجه به ارتباط مفهومی با پرسش‌های پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفت.

مفاهیم پژوهش

- دال محوری. نشانه متمایز یافته است که هویت گفتمان در نسبت با آن تعریف می‌شود.
- واژگان مثبت. به عنوان تکیه‌گاه، به بازتولید گفتمان‌ها می‌پردازد و معنای مثبتی را به گفتمان الصاق می‌کند.
- واژگان منفی. واژگان منفی گفتمان‌های معارض را به چالش می‌کشند و خلأهای آن را افشا می‌کنند.
- سوژه‌های مثبت. سوژه‌های موجه، کردارهای گفتمان مثبت و مطلوبی را صورت‌بندی می‌کنند.
- سوژه‌های منفی. سوژه‌هایی که نحوه کنشگری آن‌ها در گفتمان مسلط، مطرود و مردود قلمداد می‌شود و با حاشیه‌رانی آن‌ها، از گفتمان معارض شالوده‌شکنی می‌شود.
- مفصل‌بندی دال‌های معنابخش و زنجیره هم‌ارزی. مفصل‌بندی طی فرایند زنجیره هم‌ارزی یا منطق هم‌ارزی انتظام می‌یابد و شکل‌گیری مفاهیم در نسبت با یکدیگر را ردیابی می‌کند.
- گزاره‌های محوری. گزاره‌های محوری، جمله‌های کلیدی و بن‌مایه‌های متن هستند.
- حلقه‌های گفتمانی غیربیت‌ساز. اجماع و هم‌مونیک‌شدن گفتمان، زمانی محقق می‌شود که دال‌های گفتمان مسلط در تقابل با دال‌های غیر و معارض، طی فرایند طرد و حذف تولید معنا کند.

یافته‌های پژوهش

عینیت بخشی گفتمان انقلاب اسلامی

مجله تصویری زاویه، در بین گفتمان‌های معاصر فضای استعاره‌ای، گفتمان اسلام‌سیاسی را بازتولید و تثبیت می‌کند. در این برنامه، اسلام‌سیاسی برای استقرار گفتمان خود، حالت‌های ممکن معنایی گفتمانی را تقلیل می‌دهد و با تحدید معنایی، اسلام‌سیاسی را به عنوان امری محتوم، برای سوژه‌ها بازنمایی می‌کند.

اسلام ناب محمدی به عنوان دال مرکزی به سایر دال‌های گفتمان اسلام‌سیاسی هویت می‌دهد و هر دالی برای استقرار در منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی، باید نسبت خود را در ارتباط با این دال مشخص کند. شریعت، حکومت دینی، جمهوریت، عقلانیت، عدالت، توسعه درون‌زا، وحدت، خودکفایی، استقلال و تمدن اسلامی در هم‌ارزی با یکدیگر اسلام‌سیاسی را به عنوان یگانه گفتمان مرجح در مجله تصویری زاویه هم‌مون می‌سازند.^۱

۱. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: تحلیل نظری انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۱۰؛ فقه و حقوق در دنیای معاصر، ۱۳۹۷/۶/۲۱؛ فقه حوزه تصمیم‌ساز یا نظاره‌گر، الهیات حکومت در ایران معاصر، ۱۳۹۹/۸/۲۱.

شالوده‌شکنی از گفتمان‌های متعارض

در این برنامه، سه گفتمان در تقابل با گفتمان اسلام‌سیاسی قرار دارد. نمایندگان گفتمان اسلام‌سیاسی با شالوده‌شکنی از گفتمان‌های رقیب در تلاش هستند هر آنچه در محدوده گفتمانی "خود" قرار می‌گیرد را برجسته و هر آنچه که متعلق به "دیگری" است در حاشیه نگاه دارد؛ این گفتمان‌ها عبارت‌اند از:

- گفتمان پهلو یسم به‌عنوان گفتمان مغلوب؛
- گفتمان لیبرالیسم به‌عنوان غیربیرونی؛
- جریان تکفیری داعش به‌عنوان غیردرون‌گفتمانی.

شالوده‌شکنی از گفتمان‌های متعارض از طریق مداخله هژمونیک تحقق می‌یابد. در این فرایند به کمک راهبردهای‌های گفتمانی هویت گفتمان‌های متعارض به چالش کشیده می‌شود. این راهبردها عبارت‌اند از:

- **غیریت‌سازی.** در این برنامه گفتمان اسلام‌سیاسی، در تمایز با اغیار، کسب هویت می‌کند. این ارتباط تمایز‌آمیز در حکم بیرون‌سازنده برای این گفتمان، عمل می‌کند. اسلام‌سیاسی در ارتباط با گفتمان‌های متعارض که نام برده شد، هویت خود را تعیین می‌بخشد.^۱
- **بازتولید "خود" و "دیگری".** متون تولیدی در این برنامه، به قطب‌بندی "ما" و "آنها" ارجاع می‌دهد. در این راهبرد هر آنچه مطلوب، خواستنی، نیک و متعالی است برای اسلام‌سیاسی و هر آنچه پلید، زشت، نامطلوب و آلوده است، به قطب دشمنان (عموماً نظام سلطه) تعلق دارد.^۲
- **غیاب.** غیاب در برابر حضور معنا می‌یابد. در این برنامه، نمایندگان گفتمان‌های متعارض، حضور ندارند و در غیاب آنها از منظومه فکری آنها شالوده‌شکنی می‌شود.^۳
- **بدیهی‌سازی و طبیعی‌سازی.** در این برنامه دال‌هایی مانند "ولایت فقیه" امری بدیهی و طبیعی قلمداد می‌شوند. همچنین وجه‌رہایی بخشی اسلام‌سیاسی بدیهی نشان داده می‌شود.^۴
- **برچسب‌زنی.** از طریق سازوکار برچسب‌زنی، به سوژه‌های گفتمان متعارض، صفات

۱. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: الهیات حکومت در ایران معاصر، ۱۳۹۹/۸/۲۱.
 ۲. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: امکان‌سنجی فقه سکولار، ۱۳۹۷/۶/۱۴؛ دولت مدرن و هتک امر مقدس، ۱۳۹۹/۸/۱۴؛ ایده حکومت دینی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۵.
 ۳. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: توسعه عادلانه از منظر شهید بهشتی، ۱۴۰۰/۴/۹؛ جمهوری اسلامی ایران و مسئله آمریکا، ۱۳۹۹/۷/۳۰.
 ۴. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: امکان‌ات رهایی‌بخشی رنج قدسی، ۱۴۰۰/۶/۳؛ ایده حکومت دینی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۵؛ مناسبات بین نهاد ولایت‌فقیه، نهاد دولت و مردم، ۱۳۹۸/۱۱/۹.

و ویژگی‌های منفی الصاق می‌شود. همچنین از این طریق، به سوژه‌های مثبت گفتمان اسلام‌سیاسی، خصایص مثبت نسبت داده می‌شود.^۱

● **آلوده‌انگاری.** گفتمان‌های معارض همچون امر آلوده و پلیدی هستند که از پیرامون اسلام‌سیاسی باید دفع شوند.^۲

● **پیش‌فرض.** افکار قالبی، پیش‌داوری‌ها و زیرساخت استدلال و استنتاج در این برنامه در جهت تثبیت و بازتولید گفتمان اسلام‌سیاسی صورت‌بندی می‌شود. به‌طور کلی، در این برنامه ملاحظه می‌شود؛ پیش‌فرض‌ها به شکلی تنظیم می‌شوند که رهایی‌بخشی سوژه‌های انسانی به لحاظ مادی و معنوی، مشروط به پذیرش گفتمان اسلام‌سیاسی است.^۳

● **القا و تداعی.** در این برنامه، گزاره‌های محوری، درصدد ایجاد ذهنیت مثبت، پیرامون آموزه‌ها، توصیه‌های فکری و ذهنی گفتمان اسلام‌سیاسی صورت‌بندی می‌شوند. سرمقاله‌های برنامه نیز، غیرمستقیم، افکار، ایده‌ها و زمینه‌های ذهنی مثبت گفتمان اسلام‌سیاسی را به ذهن مخاطبان متبادر می‌سازند. همچنین این برنامه با بهره‌گیری از تکنیک تکرار در جهت تثبیت و لنگراندازی مفاهیم محوری گفتمان اسلام‌سیاسی است.^۴

● **برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی.** از طریق این تکنیک، گفتمان اسلام‌سیاسی در تلاش است از هژمونی خود حفاظت و حراست کند. در منازعات گفتمانی که در این برنامه صورت‌بندی می‌شود، هر گفتمان با برجسته‌کردن نقاط ضعف رقبا و با به حاشیه‌راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی دارد قدرت خود را استقرار و استمرار بخشد.^۵

● **استناد یا ذکر شواهد در متن.** در مجله تصویری زاویه از منابع مشروعیت‌ساز یا مورد پذیرش بسیار بهره گرفته می‌شود و گزاره‌های اسلام‌سیاسی از طریق ارجاع به آن‌ها اثبات یا تأیید می‌شود تا، به این شیوه، اسلام‌سیاسی در نزد سوژه‌ها مقبولیت پیدا کند. استناد به سخنان امام خمینی (ره)، آیت‌الله شهید بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، نمونه‌ای از وجهیت‌بخشی در این برنامه است که از طریق آن‌ها ارزیابی مثبت یا منفی از محورهای مورد بررسی، به مخاطب

۱. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: واکنش مناسب به ترور؛ صبر راهبردی یا ضربه متقابل، ۱۳۹۹/۹/۱۲؛ سیاست‌گذاری امر جنسی و خانواده، ۱۳۹۹/۱۲/۲۰.

۲. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: مناسبات حجاب و سیاست در ایران، ۱۳۹۹/۶/۲۶؛ جمهوری اسلامی ایران و مسئله آمریکا، ۱۳۹۹/۷/۳۰.

۳. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: مناسبات حجاب و سیاست در ایران، ۱۳۹۹/۶/۲۶؛ سیاست‌گذاری امر جنسی و خانواده، ۱۳۹۹/۱۲/۲۰.

۴. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: مناسبات علم و سیاست، ۱۳۹۹/۹/۲۶؛ اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۰۹/۲۱، علم بومی؛ استعمارگر یا استعمارزدا، ۱۳۹۹/۷/۲.

۵. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: ایده علم سیاست برای بازدارندگی از جنگ در ایران، ۱۳۹۸/۴/۱۹؛ نظام حزبی در ایران، ۱۴۰۰/۶/۱۰.

ارائه می‌شود. همچنین استناد به قوانین جمهوری اسلامی ایران، ذکر شواهد تاریخی، روایت دینی و احادیث از پیامبران و امامان نیز کارکرد و جهت‌بخشی دارند^۱.

نزاع‌های درون‌گفتمانی و معنابخشی

این برنامه با فراهم کردن شرایط گفت‌وگو و مناظره با نمایندگان گفتمان مسلط و گفتمان‌های رقیب، کارکرد دوگانه به خود می‌گیرد؛ از یک‌سو با افشای شکاف‌های گفتمانی گفتمان انقلاب اسلامی، توجه مدافعان این گفتمان را به خود جلب می‌کند و از سوی دیگر، زمینه‌ای مهیا می‌شود که مفاهیم و دقایق گفتمانی انقلاب اسلامی در اذهان سوژه‌ها رسوب کند و از رهاورد آن، فرایند طرد غیرهای گفتمانی رقم خورد. خلأ چنین رویکردی در هر گفتمان، شرایط را برای زوال و اضمحلال گفتمان، مهیا می‌سازد و می‌تواند در بلندمدت، اعتبار و اقتدار گفتمان مورد نظر را به چالش بکشد؛ اصطلاحی که لاکلا و موفه برای توصیف این وضعیت به کار می‌برد کسوف گفتمان است. بی‌قراری‌هایی که در این برنامه مطرح می‌شود به پالایش، بازخوانی، بازتولید و به‌روزرسانی اندیشه‌های گفتمان انقلاب اسلامی منتهی می‌شود و از به حاشیه رانده شدن گفتمان حاکم، جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، باید گفت نقدهایی که این برنامه به‌عنوان برنامه‌ای دموکراتیک در تلویزیون صورت‌بندی می‌کند؛ نقدهایی است که بیش از آن‌که وجه سلبی داشته باشد، وجه ایجابی در آن مستتر است. در جدول ۱ گفتمان‌های هژمون و رقیب آن‌ها گزارش شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. برگرفته از برنامه تلویزیونی مجله تصویری زاویه: تحلیل نظری انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۱۰؛ توسعه عادلانه از منظر شهید بهشتی، ۱۴۰۰/۴/۹.

جدول ۱. گفتمان انقلاب اسلامی و حوزه‌های معنی

محور برنامه	گفتمان هژمونیک	گفتمان رقیب	گزاره محوری	شواهد متنی (نام برنامه و تاریخ بخش)
شریعت (سطح معنابخشی: همه حوزه‌ها)	فقه پویا	<ul style="list-style-type: none"> ● سکولاریسم ● فقه سکولار ● فقه سنتی 	در گفتمان انقلاب اسلامی، فقه پویا متکفل نظم بخشی در جامعه است و در پاسخگویی به مسائل جامعه، کفایت و جامعیت دارد.	<p>الهیات حکومت در ایران معاصر، ۱۳۹۹/۸/۲۱</p> <p>زاویه‌نشینی عقل در حوزه علمیه، ۱۳۹۷/۵/۱۷</p> <p>ایده نهاد علم برای ارتقای اسلامیت نهاد سیاست، ۱۳۹۸/۷/۲۴</p> <p>امکان سنجی فقه سکولار، ۱۳۹۷/۶/۱۴</p> <p>فقه و حقوق در دنیای معاصر، ۱۳۹۷/۶/۲۱</p> <p>حوزه تصمصیم‌ساز یا نظاره‌گر، ۱۳۹۷/۶/۷</p> <p>کارآمدی جمهوری اسلامی در بهبود دینداری، ۱۳۹۸/۵/۲۳</p> <p>ایده نهاد علم برای شفافیت نهاد سیاست در ایران، ۱۳۹۸/۷/۱۰</p>
جمهوریت (سطح معنابخشی: سیاست داخلی)	مردم‌سالاری دینی	<ul style="list-style-type: none"> ● دموکراسی غربی 	جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران، با ولایت الهی پیوند خورده است.	<p>مردم و موازنه قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی، ۱۳۹۹/۱۱/۱۷</p> <p>فرازوفرود جمهوریت در ایران معاصر، ۱۳۹۹/۱۰/۱۷</p> <p>دولت مدرن و هتک امر مقدس، ۱۳۹۹/۸/۱۴</p> <p>مناسبات بین نهاد ولایت فقیه، نهاد دولت و مردم، ۱۳۹۸/۱۱/۹</p> <p>ایده حکومت دینی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۵</p> <p>تحلیل نظری انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۱۰</p> <p>امکانات رهایی بخشی رنج قدسی، ۱۴۰۰/۶/۳</p> <p>نظام حزبی در ایران، ۱۴۰۰/۶/۱۰</p>
عقلانیت (سطح معنابخشی: سیاست داخلی)	اسلامی‌سازی علوم انسانی (اسلامی سازی)	<ul style="list-style-type: none"> ● علوم انسانی مدرن 	عقلانیت اجتهادی در گفتمان انقلاب اسلامی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است.	<p>مناسبات علم و سیاست، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶</p> <p>علم بومی؛ استعمارگر یا استعمارزدا، ۱۳۹۹/۷/۲</p> <p>وضع مصنوعی نهاد علم، ۱۳۹۷/۴/۲۷</p> <p>اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۹/۲۱</p> <p>ایده نهاد علم درباره استقلال دانشگاه در ایران، ۱۳۹۸/۹/۲۷</p> <p>ایده علم برای کاهش فاصله میان علم و عمل در ایران، ۱۳۹۸/۹/۱۳</p>
توسعه (سطح معنابخشی: سیاست داخلی)	توسعه درون‌زا (پیشرفت)	<ul style="list-style-type: none"> ● توسعه مدرن 	توسعه در گفتمان انقلاب اسلامی از دریچه حق و عدل، جریان دارد و بعد مادی و معنوی را دربر می‌گیرد.	<p>بررسی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷/۲۹/۷</p> <p>بررسی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷/۸/۳۰</p> <p>توسعه عادلانه از منظر شهید بهشتی، ۱۴۰۰/۴/۹</p>

سیاست خارجی (سطح معنابخشی: سیاست خارجی)	استقلال و خود اتکایی	● نظام سلطه ● گفتمان تعامل محور	انقلاب اسلامی به واسطه استقلال و توانمندی‌های چندوجهی‌اش، نماد مقابله با سلطه در منطقه و جهان است و در پی آن است نظم جهانی را بر هم زند.	چالش توسعه اقتصادی و استقلال، ۱۴۰۰/۴/۱۶ جمهوری اسلامی ایران و مسئله آمریکا، ۱۳۹۹/۷/۳۰
امنیت ملی و روابط بین‌الملل (سیاست خارجی)	مقاومت	● نظام سلطه ● گفتمان تعامل محور	ایران در عرصه نظامی و هسته‌ای از توانمندی‌های پلانمنازع برخوردار است.	واکنش مناسب به ترور؛ صبر راهبردی یا ضربه متقابل، ۱۳۹۹/۹/۱۲ ایده علم سیاست برای بازدارندگی از جنگ در ایران، ۱۳۹۸/۴/۱۹
زنان و مسئله حجاب (سوژگی افراد)	حجاب اجباری	● حجاب ● اختیاری ● آزادی ● زنان	قانون حجاب اجباری و نحوه حضور زن در عرصه عمومی در راستای شریعت تعیین شده است.	مناسبات حجاب و سیاست در ایران، ۱۳۹۹/۶/۲۶
زیست جنسی (سوژگی)	خویشترنداری جنسی	● گفتمان ● رهبانیت ● گفتمان ● التذاذ جنسی	در گفتمان انقلاب اسلامی امر جنسی امری ناخوشایند نیست اما باید به‌طور شایسته و مشروع به آن پاسخ داده شود.	سیاست گذاری امر جنسی و خانواده، ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

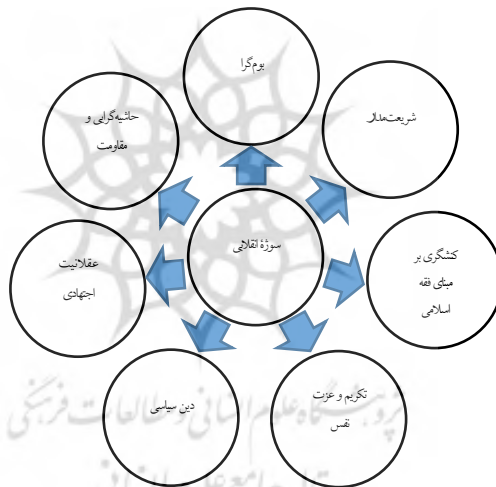
برساخت سوژه و کردارهای گفتمانی

در مجله تصویری زاویه دو نوع سوژه در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. سوژه انقلابی و سوژه التقاطی.

سوژه انقلابی

سوژه مطلوب و آرمانی برساخت‌شده در مجله تصویری زاویه، سوژه‌ای پایدار و متقن در اندیشه‌های انقلابی است که بازگشت به خویشترنداری اصیل، بر مبنای بوم اسلام و انقلاب از وی انتظار می‌رود. این سوژه موضوع اعمال قدرت سیاسی و مذهبی است و گفتمان هژمونیک ضمن استقرار خود، الگوی هویتی کلان و فراگیری را برای آن‌ها ارائه می‌کند. عاملیت، آگاهی و دانش سوژه انقلابی، تطبیق یافته با دال‌های اصلی اسلام سیاسی است؛ از همین رو، تغییرناپذیر و تمامیت یافته نمود می‌یابد و تشویش و تزلزلی بر آن وارد نمی‌شود. اسلام سیاسی، هویت انسان‌ها را به هویت دینی تقلیل می‌دهد و هویت جنسی، ملی، قومی و ... را تابعی از هویت

دینی تلقی می‌کند. کنشگری سیاسی سوژه انقلابی از منظر استعلایی و بر خوانش فقهی منطبق است و روح کلی کردارهای سیاسی به این شیوه تعیین می‌بخشد و گفت‌وگو^۱ با این سوژه‌ها در محدوده این گفتمان رسمیت دارد. سوژه انقلابی، سوژه‌ای مقاومت محور است که با خوداتکایی و خودبسندگی، سیاست مقاومت در برابر بیگانه را پیش می‌برد. اسلام‌گرایی، حاشیه‌گرایی، بوم‌گرایی از ایده‌های بنیادین شکل‌گیری هویت در سوژه انقلابی است. عقلانیت ابزاری در این سوژه موضوعیت ندارد و عقلانیت اجتهادی بر جای آن می‌نشیند. عزت نفس و تکریم انسان و نیل به نفس مطمئنه از اهداف غایی گفتمان اسلام سیاسی در سوژه‌سازی تلقی می‌شود. اعتقاد به این نوع از سوژه در تعارض با اندیشه‌های لاکلا و موفه، که هویت را گشوده، سیال و متکثر قلمداد می‌کند، قرار دارد. به بیان دیگر، در این برنامه، گشودگی و چندپارگی سوژه‌ها، مردود و مطرود است، چراکه سوژه‌ها درگیر چارچوب‌های سلب و صلبی هستند که کنشگری آن‌ها، محدود و مقید به چارچوب‌های تعریف‌شده منظومه فکری خاص است.



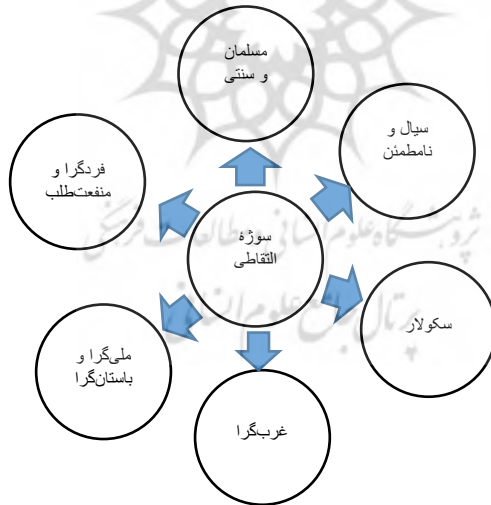
نمودار ۱. مفصل‌بندی سوژه انقلابی در مجله تصویری زاویه

سوژه التقاطی

سوژه‌ای که در مجله تصویری زاویه به‌عنوان سوژه‌ای مطرود از نظام فکری گفتمان انقلاب اسلامی به حاشیه رانده می‌شود، سوژه متناقض و بلاتکلیف غربی است که بین هویت و فرهنگ ایرانی، غربی و اسلامی - اسلام در معنای آمریکایی یا متحجرانه آن - مستأصل است و کردارهای گفتمانی متناقض از وی انتظار می‌رود. هویت سیال این سوژه، دال‌های اصیل

سوژه انقلابی را بر نمی تابد و همواره قبض و بسط معرفتی گفتمان انقلاب اسلامی را به چالش می کشد. در این برنامه، شکل گیری چنین سوژه ای، پروژه ای ساختگی تلقی می شود که از سوی نظام سلطه هدایت می شود. موقعیت سوژگی این سوژه در کشاکش سه گفتمان لیبرالیسم، پهلویسم و اسلام در تلاطم است و نوعی ناهماهنگی بین دانش و آگاهی وی رؤیت پذیر است. منابع هویت بخش سوژه التقاطی از هر گفتمانی عنصری را جذب و با باز تعریف آن در منظومه گفتمانی، آن را به شکل "وقته" تثبیت کرده است. فردگرایی، روان رنجوری، تعلیق، پوچی از جمله مشخصه هایی است که در این برنامه به این سوژه الصاق می شود.

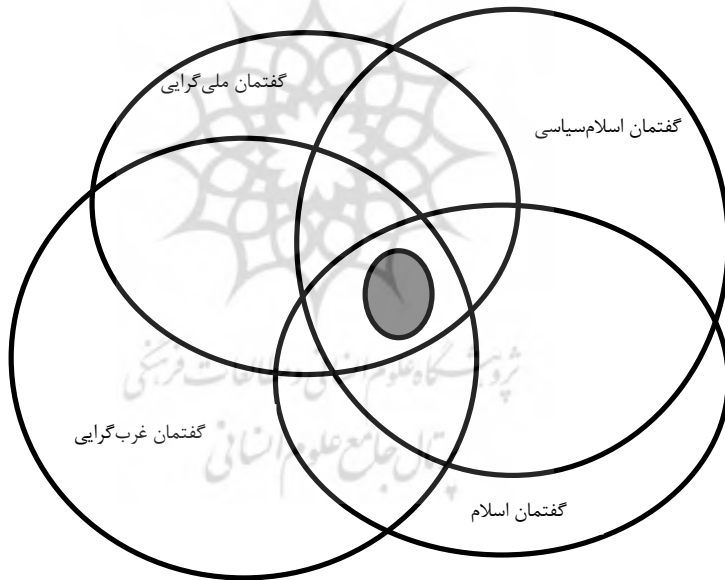
در مفصل بندی از آگاهی سوژه التقاطی، با سوژه ای مواجه هستیم که کردارهای گفتمانی وی از منابع معرفتی مختلف فرهنگی و گفتمانی تغذیه می شود. به دیگر سخن، هویت انتظام یافته، هم شبیه هویت گفتمان خاص است و هم متفاوت و متمایز از آن. وزن هر گفتمان در شکل گیری این سوژه در وجوه خاص، متغیر است و الگوی ثابت و متقنی از آن نمی توان استخراج کرد و گفتمان های مربوطه نیز چنین سوژه هایی را از آن خود نمی دانند و آن را در حاشیه قرار می دهند. معرفت برآمده از این سوژه نامتعیین را نمی توان به نظام فکری خاصی نسبت داد، در عین حال، دستگاه فکری نظام مندی آن را پشتیبانی نمی کند؛ از همین رو بی شکلی، بی هویتی و عدم تعلق آن، محل انتقادهای جدی ای در این برنامه قرار می گیرد.



نمودار ۲. مفصل بندی سوژه التقاطی در مجله تصویری زاویه

به این ترتیب، در مجله تصویری زاویه، سوژه انقلابی به عنوان یگانه سوژه موجه گفتمان انقلاب اسلامی بر ساخت می شود و گفتمان های معارض و سوژه های منسوب به آنها، منابع آلودگی

معرفی می‌شوند که در پی آن هستند، مرزهای قوام‌دهنده به سوژه انقلابی را درهم شکنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، این برنامه با کاربست تکنیک آلوده‌انگاری، در تلاش است از طریق تثبیت تمامیت گفتمان انقلاب اسلامی و با استناد و تأکید بر پاکی و خلوص آن به واسطه دال مرکزی (اسلام ناب محمدی)، سوژه‌های بی‌قرار و آلوده را از مرزهای سوژه انقلابی دور سازد. با این حال، بر مبنای آرای لاکلا و موفه، چنین نمایندگی امری ناشدنی است و خصلت خیالی و غیر واقعی آن نمود نظری و عملی دارد؛ چراکه طبق سوژه پیش تعیین شده، سوژه و موقعیت سوژگی منوط به گفتمان واحد نیست و موقعیت‌های سوژگی متعددی هم‌زمان به کنشگری می‌پردازند. در مجله تصویری زاویه، اقلیتی از سوژه‌ها (مخاطبان) نماینده کل پنداشته می‌شود و گفتمان آن‌ها بر ساخت می‌شود؛ در حالی که در جهان واقع، با سوژه‌های یکپارچه و منسجم مواجه نیستیم و شاهد هویت‌های گسسته و چندپاره هستیم. نمودار ۳ نشان می‌دهد در فضای زیست سوژه‌های انسانی، گفتمان‌های متکثری هستند که در تلاش‌اند نسبت خود را با سوژگی افراد، جهت ببخشند و با طرح نظام فکری خود، سوژه را به درون منطقه اختصاصی خود بکشاند.



نمودار ۳. سوژه پیش تعیین شده

حوزه عمومی امکان یا امتناع

صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با تأسیس شبکه نخبگان که دانایی و خردورزی، دال محوری آن، محسوب می‌شود؛ داعیه تولید محصولات فاخر برای مخاطبان نخبه را دارد.

این شبکه به عنوان متولی مخاطبان نخبه، طی سال‌هایی که فعالیت رسانه‌ای خود را شروع کرد، با رویکرد متفاوت با سایر شبکه‌های سیما، در صدد است از انتقاداتی که دامن‌گیر تلویزیون است و تولیدات آن را عامه‌پسندانه تلقی می‌کند، بکاهد. در این مسیر طرح مسائل اندیشگانی و معرفتی و توجه به مسائل و چالش‌هایی که در حوزه عمومی مطرح است، دستمایه پرداخت رسانه‌ای از این شبکه قرار می‌گیرد و در برنامه‌هایی چون مجله تصویری زاویه، مخاطبان با برنامه‌ای متفاوت مواجه می‌شوند که گزاره‌های متفاوت‌تر و جدیدتری از آن به گوش می‌رسد. این‌که رسانه با طرح مباحث این‌چنینی به چه میزان به شکل‌گیری فضای عمومی در ساحت رسانه کمک می‌کند، محل بحث و چالش است. این برنامه در کلام کارشناسان و همچنین مجریان برنامه، شکل‌گیری عرصه عمومی را از رسالت‌های برنامه برمی‌شمارد و بر آن تأکید دارد. نخبگان و روشن‌فکران حاضر در مجله تصویری زاویه با ایجاد هسته‌های مباحثه و گفت‌وگو در تلاش‌اند تحول و آگاهی مخاطبان را رقم زنند. این برنامه هر چند ظرفیت‌های متعدد فرمی و ساختاری چون امکان شنیدن صداهای متکثر و تقویت حوزه عمومی را دارد، اما در نهایت با مطالعه نظام‌مند آن در این پژوهش مشخص شد، متغیرهای فرامتنی چون ایدئولوژی، بینش و تفکرهای مسلکی، وزن بیشتری در شکل‌دهی به این برنامه داشته و ظرفیت‌های گفت‌وگوی تلویزیونی، برای تحقق چندصدایی با چالش‌هایی مواجه است.

تلویزیون با در نظر گرفتن محدودیت‌های گفتمانی و فرمی که دارد، عموماً اطلاعات سهل‌الوصولی را به مخاطبان ارائه می‌کند که برای بالندگی عرصه عمومی چندان اثربخش نیست. دامنه اختیارات، کنشگری و حتی مداخله‌گری دولت در این رسانه، از یک‌سو و ماهیت رسانه تلویزیون از سوی دیگر، به عنوان امر بازدارنده عمل می‌کند. از همین روی، بر وجه انتقادی تلویزیون در معنای‌بخشی آن نمی‌توان چندان دل بست. به این ترتیب از این رسانه همچنان شاهد ارتباطات عمودی هستیم تا ارتباطات افقی که قابلیت استقرار دموکراسی و توسعه پایدار را فراهم می‌سازد. منازعات گفتمانی نرمی که در این برنامه صورت‌بندی می‌شود، نه در جهت تشکیل حوزه عمومی، بلکه تنها در جهت تثبیت گفتمانی است و نسخه‌ای تقلیل‌یافته‌ای از حوزه عمومی را به نمایش می‌گذارد. "مهندسی پیام"، القاگر نظارتی عمودی بر محتوای پیام است که ایده تضارب آرا، چندصدایی و همچنین تشکیل حوزه عمومی را در این برنامه تضعیف می‌کند. چندصدایی جریان‌یافته، چندصدایی هدایت‌شده در چارچوب گفتمان برتر است؛ تا جایی که به جای فراهم آوردن امکان شنیده‌شدن صداهای مختلف، به سمت خطابه و توریکی‌های سیاسی یا شبه‌گفت‌وگو، سوق داده شده است. گفت‌وگوها در این برنامه را باید جملگی کنش‌های گفتمانی تلقی کرد که با اعطای نقش قدرتمند به میزبان، انتخاب میهمان بر مبنای هویت علمی، سیاسی و اجرایی آنها، انتخاب موضوع گفت‌وگو، حضور، میزان و اشکال مشارکت مخاطبان، نظم گفتمانی مسلط را بر ساخت می‌کند.

این برنامه با قرار دادن "اسلام سیاسی" در پرانتز، کلیت، ریشه‌ها و شرایط امکان این گفتمان را به چالش نمی‌کشد و تمام قواعد، دال‌ها، گزاره‌ها و احکام گفتمانی که در نسبت با اسلام سیاسی صادر می‌شود، بر وجه ایجابی و سازنده بودن اسلام سیاسی دلالت دارد و التزام به مبانی آن ضروری و مطلوب ارزیابی می‌شود و در نهایت تخطی از قواعد آن ناممکن و ناصواب قلمداد می‌شود.

خلاصه آن‌که هر چند در این برنامه به لحاظ ساختاری و فرم برنامه، شاهد میانجی‌گری رسانه بین دولت و مردم هستیم و این برنامه در تلاش است خود را به‌عنوان برنامه‌ای متفاوت، تسهیلگر جریان دموکراسی نشان دهد؛ اما با مطالعه نظام‌مند محتوای مجله تصویری زاویه، مشخص شد در لایه‌های عمیق این متون مؤلفه‌های گفتمانی کنشگری می‌کند.

جمع‌بندی، تحلیل و نتیجه‌گیری

اصل پذیرفته‌شده در سیاست‌های گفتمانی، بیانگر این است که قدرت سخت‌افزاری و سازوکارهای سرکوب و قهرآمیز، برای حراست از گفتمان‌ها از کارایی لازم برخوردار نیست و همراهی قدرت نرم را طلب می‌کند؛ نهادهای فرهنگی چون رسانه، با تحکیم ارزش‌ها و هنجارهای گفتمانی، به حمایت نظام سیاسی برآمده از گفتمان‌ها می‌پردازند تا جایی که گفته می‌شود رسانه از عاملان تغییر و تحول در ارزش‌ها و هنجارها محسوب می‌شود (آزادی احمدآبادی، ۱۴۰۰: ۲۶). برای این منظور، بهره‌مندی از سازوکارهایی چون گفت‌وگو، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، غیریت‌سازی و آلوده‌انگاری راهگشا و مفید فایده قرار می‌گیرد. در این پژوهش، بر مبنای رویکرد لاکلا و موفه، نحوه تثبیت و استقرار گفتمان انقلاب اسلامی بررسی و مورد واکاوی قرار گرفت. در جدول ۲ به اختصار گزارشی از یافته‌ها ارائه شده است.

جدول ۲. مفاهیم و محورهای استخراج‌شده از مجله تصویری زاویه

مفاهیم اصلی	محورهای استخراج‌شده از متن
گفتمان مسلط	اسلام سیاسی (فقه‌ای)
ابعاد معنابخش	بعد اقتصادی: مبتنی بر قوانین اسلامی و غیروابسته، ترویج اقتصاد ملی از طریق اقتصاد مقاومتی بعد فرهنگی: فرهنگ بومی و اسلامی، مقابله با نفوذ فرهنگی، تمدن نوین اسلامی بعد سیاسی: حکومت اسلامی، جمهوریت توأمان با اسلامیت
دال محوری	اسلام ناب محمدی
زنجیره‌های معنابخش	شریعت، حکومت دینی، جمهوریت، عقلانیت، عدالت، توسعه درون‌زا و وحدت، استقلال و خودکفایی و تمدن اسلامی

مداخله هژمونیک، شالوده‌شکنی، غیریت‌سازی، بازتولید "خود" و "دیگری" غیاب، بدیهی‌سازی و طبیعی‌سازی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، القا و تداعی و پیش‌فرض استناد و ذکر شواهد در متن	راهبردهای گفتمانی
گفتمان‌های پهلویسم به عنوان غیر مغلوب گفتمان لیبرال - دموکراسی به عنوان غیر بیرونی جریان تکفیری داعش به عنوان غیر درونی اسلام	گفتمان‌های معارض
نقد‌های درون‌گفتمانی و غیر مسئله‌ساز نقد به‌مثابه سازوکار ترمیم و تعالی گفتمان اسلام‌سیاسی وجه ایجاد نقد‌های برنامه مشروعیت‌بخشی به گفتمان انقلاب اسلامی	نزاع‌های گفتمانی
سوژه انقلابی؛ سوژه‌ای مطلوب و آرمانی سوژه التقاطی؛ سوژه سرکوب شده	انواع سوژه
چندصدایی جهت‌مند و هدایت‌شده دسترسی نابرابر و ناعادلانه	چندصدایی
در سطح فرم و ساختار برنامه (روساخت)	حوزه عمومی

اگر اندیشه را یکی از امتیازها و سرمایه‌های بشری تلقی کنیم که از آن، برای رسیدن به مسائل جدید یا کشف مجهولات بهره گرفته می‌شود، لوازم و مقدمات متعددی را طلب می‌کند. مقدماتی همچون انسجام منطقی، مبناداری، استدلال عقلانی و منطقی و فرایندمدار بودن، از جمله مواردی است که سازوکار طرح آن در رسانه، آن هم در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران را با اما و اگرهایی جدی مواجه می‌سازد. مضاف بر آن صاحبان اندیشه، برای اندیشیدن، مراتبی را قائل‌اند که از سطحی‌ترین مرتبه یعنی تفکر نقطه‌ای، شروع و به مراتب عالی آن، که تفکر انتقادی و خلاقانه است، ختم می‌شود. اگر در تفکر نقطه‌ای، با نگرش تک‌عاملی به مسئله، تنها بر توصیف پدیده، تمرکز می‌شود؛ در تفکر لایه‌ای با عبور از سطوح رؤیت‌پذیر و عوامل مشهود، به عمق مسئله، ورود می‌شود. در این فرایند، لایه‌های متعدد از عوامل پدیده رصد می‌شود تا در نهایت، پیوند بین لایه‌های مختلف به‌منظور تحلیل و تبیین یکی پس از دیگری، واکاوی شود و گزارشی جامع‌تر از پدیده به دست آید. بدین‌سان، مراتب عالی تفکر نه تنها زایشی و آینده‌نگرانه است، بلکه به تغییر و تحول منتهی می‌شود.

از سوی دیگر، رسانه نیز بنا بر ذات و ماهیت وجودی آن، امکانات مشخص و محدودیت‌هایی در تمام متغیرهای ارتباطی، اعم از پلتفرم، مخاطب و روزبه‌روز در حال "شدن" است. از همین رو، با ساحات دوگانه‌ای مواجه هستیم که در هر کدام، درجه‌ای از خودبستگی و خودمختاری مشهود است و استقلال هر کدام، منوط به التزام به هنجارهای ماهوی است که هر سنت به آن تعلق دارد. حال با چنین مفروضاتی، تلویزیون در فضای "اندیشه و اندیشیدن"

در پی حفظ کنشگری است و در تلاش است با تعریف سازوکاری از عاملیت خود حفاظت و حراست کند.

در توضیح این وضعیت باید گفت، تلویزیون به واسطه خصیصه نمایشی و همچنین عامه‌پسند بودن، از پوشش محتواهایی که به مراتب عالی تفکر معطوف است، فاصله می‌گیرد. با این حال در سطوح معرفی اندیشه و ارائه گزارشی از پدیده‌ها، توفیقاتی را می‌تواند کسب کند. این پژوهش نشان داد تلویزیون بیش از آن‌که ابزاری برای تولید تفکر باشد، ابزاری برای توزیع معرفت از پیش موجود است. آنچه در "اکنون" رسانه‌ای اهمیت دارد صورت‌بندی‌های زبانی است تا از رهگذر آن، از عقلانیت گفتمان انقلاب اسلامی، تصویری شایسته به نمایش گذاشته شود. این‌که "مسائل چگونه گفته بشود" و تحت چه صورت‌بندی و لوازمی می‌توان از تکرار و تضارب آرا به وفاق ملی رسید، دغدغه کلیدی است. از همین روی، تلویزیون به بخشی از تفکر و اندیشیدن گفتمان انقلاب اسلامی تبدیل شده است و به حضور اندیشمندان، کنشگران، فرهیختگان و اصحاب فکر نیازمند است تا با طراحی و همکاری با آن‌ها، گام‌های مستحکمی در این عرصه بردارد و با توزیع و توصیف گفتمان انقلاب اسلامی، کنشگری خود را در تقابل با رقیبان رسانه‌ای محقق و مستمر سازد.

نتایج این پژوهش مؤید آن است که صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با ساخت برنامه‌های نخبه‌محور، ایدئولوژی را به زبان اندیشه ترجمه می‌کند و با کدگذاری آن در سطوح زیرین متن، حافظ وضع موجود می‌شود.

علل گرایش مخاطبان به برنامه‌های اندیشگانی نیز، طرح اندیشه‌های لایه‌ای و انتقادی در تلویزیون را تضعیف می‌سازد. با نگاهی اجمالی به مخاطبان این برنامه‌ها، باید گفت که مخاطبان نیز بیش از آن‌که انتظار تفکر در سطوح عالی را داشته باشند، در پی سرگرمی و التذاذ از این رسانه هستند؛ هر چند که با اوصاف فرهیختگی و دانایی از آنها یاد شود. به تعبیر دیگر، این‌گونه از مخاطبان نیز برای برآوردن نیاز "لذت و سرگرمی"، پای این رسانه می‌نشینند؛ البته متناسب با خصیصه‌های نگرشی و اندیشگانی خود. در چنین لحظاتی، مخاطب به مثابه مصرف‌کننده محتوای تولیدی رسانه و گردانندگان آن است و مصرف صرف، از بازدارنده‌های تحقق تفکر انتقادی، محسوب می‌شود. بنابراین آنچه در صفحه نمایش تلویزیون رخ می‌دهد را باید، بیشتر، معطوف به سطوح توصیفی و تشریحی اندیشه دانست.

در نگاهی به عملکرد و سازوکار تحقق اندیشه در تلویزیون، پژوهش حاضر نشان داد، محدودیت زمانی، زبانی و ساختاری و از همه مهم‌تر، چشم‌انداز گفتمانی و محتوایی که در آن جاری و ساری است، فرض توصیفی و توزیعی بودن اندیشه را قوت می‌بخشد و التزام برنامه‌هایی همچون مجله تصویری زاویه به اندیشه، تفکر و گفت‌وگو را باید بر اساس رهیافتی که این رسانه در چارچوب آن کنشگری می‌کند، تبیین کرد. تلویزیون در رو ساخت برنامه‌های

معرفتی به واسطه ظرفیت‌های فرمی و ساختاری، با همنشینی مباحثی چون "حوزه عمومی"، "گفت‌وگوی سالم"، "خیر عمومی"، "نخبگی"، "نخبگان"، "اندیشه"، "آگاهی"، "تفکر انتقادی"، "تضارب آرا"، "چندصدایی" و "تکثرگفتمانی" در پی آن است که ایماژ موجه از هویت رسانه‌ای تولید کند. بر مبنای نتایج پژوهش، تلویزیون با توجه به حضور و فعالیت رقبای جایگزین به گفت‌وگو و الزام‌های آن در رسانه، قائل است و با چرخش از رویکرد "مسکوت‌گذاری" مسائل، به "گفت‌وگو و کنش ارتباطی" روی آورده است و در صدد آن است که به مدد زبان و لوازم آن، به ابزار دموکراتیک گفتمان انقلاب اسلامی مبدل شود. صداوسیما با کشاندن سیاست‌های فرهنگی جامعه به عرصه رسانه و گفت‌وگو درباره آن‌ها، بر زیست فرهنگی مخاطبان تأثیر می‌گذارد و به این شیوه، از یک سو منطق درونی سیاست‌های گفتمان انقلاب اسلامی را تثبیت می‌کند و از دیگر سو قوت تفکرات انتقادی رسانه‌های رقیب را به چالش می‌کشد. در واقع تلویزیون با توجه به چشم‌انداز تعریف‌شده در اسناد بالادستی، همچنان به دنبال هدایت و بسیج افکار عمومی است؛ اما این بار از بستر گفت‌وگو، مفاهیم و اندیشه و به کمک ظرفیت‌های ساختاری و فرمی که با اقتضائات جهانی سازگاری دارند. با این حال ملاحظه شد در پس گفت‌وگوها و چندصدایی‌های جهت‌مند، از امر گفتمانی حفاظت و حراست می‌شود.

هر چند صداوسیما با برنامه‌های نخبگانی چون مجله تصویری زاویه، تلاش می‌کند به سمت خط میانه حرکت و نقش میانجی و مسئولیت اجتماعی برنامه پررنگ کند، اما همچنان مسیر طولانی برای رسیدن به این نقطه باقی مانده است. به بیان دیگر، نزدیک بودن رسانه به نهادهای قدرت سبب می‌شود در موازنه مصلحت و نیاز در پاره‌ای از امور، مصلحت‌ارجحیت یابد و خیر عمومی پس از آن نمود رسانه‌ای پیدا کند. با این حال مخاطب نخبه انتظار دارد رسانه با عبور از اهداف گفتمانی و تجاری تعریف‌شده، در چارچوب مسئولیت اجتماعی عمل کند و به این شیوه، ارزش‌های اجتماعی و خیر عمومی را تأمین و محقق سازد.

به این ترتیب، پیش از آن‌که تلویزیون در وجه فرمی و ساختاری به تخصصی‌کردن شبکه‌ها و مخاطبان خود قائل باشد، باید خود را برای حضور در فضای همگرایی رسانه‌ای تجهیز کند و به تولید محتوا بر مبنای خیر عمومی مبادرت ورزد. تحقق عرصه عمومی در عصری که به عصر همگرایی رسانه‌ای شناخته می‌شود، محصول کنشگری هم‌زمان رسانه‌ها است. در این مسیر، همان اندازه که رسانه‌های مجازی ایفای نقش می‌کنند، تلویزیون نیز می‌تواند اثرگذار باشد. مخلص کلام آن‌که در شرایط کنونی "گفت‌وگو" مهم‌تر از "محمل گفت‌وگو" به تحقق حوزه عمومی یاری می‌رساند.

منابع

- اباذری، یوسف (۱۳۷۷). خرد جامعه‌شناسی. تهران: طرح نو.
- آزادی احمدآبادی، قاسم (۱۴۰۰). ارزیابی سیاست‌های حوزه رسانه در ایران. رسانه، ۲۷(۲)، ۵۳-۲۷.
- <https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.317814.1659>
- امینی، فاطمه (۱۳۹۷). مبانی امر مطرود در هنر قرن بیستم با تکیه بر آرا ژولیا کریستوا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات فارسی و زبان خارجی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- تایسن، لویس (۱۳۹۴). نظریه‌های نقد ادبی. ترجمه مازیار حسین‌زاده. تهران: حکایت قلم نوین.
- دانیالی، عارف (۱۳۹۵). سکولاریسم، گفتمان هژمونیک برنامه‌پرگار. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما.
- زمانی، عباس؛ تقی‌پور، فائزه و اسماعیلی، رضا (۱۴۰۱). راهبردهای ارتقای شفافیت در رسانه‌های ایران. رسانه، ۳۳(۴)، ۲۷۱-۲۹۲. <https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.306186.161>
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نی.
- فراهانی، مژگان (۱۳۹۳). قدرت و پادقدرت جنسیتی در سینمای ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم ارتباطات. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- فراتی، امیرسعید (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان سوژه ایرانی نزد روشنفکران پس از انقلاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- فرتر، لوک (۱۳۸۷). لویی آلتوسر. ترجمه امیر احمدی آریان. تهران: مرکز.
- فرقانی، محمدمهدی؛ بصیریان جهرمی، حسین و مهدوی، سارا (۱۳۹۴). بررسی شیوه‌های طبقه‌بندی اعضا در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی: رویکردی تحلیلی گفتمانی به برنامه‌های متمرکز بر موضوع‌های دینی پرگار. مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۶(۶۱)، ۸۷-۱۱۹.
- عاشوری، علی (۱۳۹۲). تفسیر فرهنگی قدرت با رویکرد انتقادی از صداوسیما. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۲)، ۹۱-۱۲۴.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۹۳). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: انتشارات همشهری.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۲). نظریه کنش ارتباطی عقل و عقلانیت جامعه، زیست‌جهان و نظام نقادی مفهوم کارکردگرایانه عقل. ترجمه کمال پولادی. تهران: مرکز.

Abazari, Y. (1998). *Sociological wisdom*. Tehran: Tarh-e No. [In persian]

Allen, A. (2002). Power, subjectivity, and agency: Between Arendt and Foucault. *International journal of philosophical studies*, 10(2), 131-149.

Althusser, L. (1995). *Ideology and Ideological state Apparatuses; (Note to ward investigation)*. Zizek, S, mapping Ideology. London: verso.

Amini, F. (2018). Foundations of the Forbidden Command in 20th Century Art with Emphasis on the Views of Julia Kristeva. Master's Thesis, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Allameh Tabataba'i University, Tehran. [In persian]

Arya, R. (2014). *Abjection and representation: An exploration of abjection in the visual arts, film and literature*. Springer.

Ashouri, A. (2013). Cultural Interpretation of Power with a Critical Approach to IRIB. Master's Thesis, Allameh Tabataba'i University, Tehran. [In persian]

- Azadi Ahmad Abadi, G. (2021). Evaluation of Media Policies in Iran. *resaneh*, 34(2), 27-53. [In persian]
<https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.317814.1659>
- Brogno, A. F. (1990). *Language and ideology: A case study of 'Sesame Street'*.
- Daniyal, A. (2016). *Secularism, Hegemonic Discourse, Program Paragar*. Tehran: Center for Research and Evaluation of Radio Opinions. [In persian]
- Farahani, M. (2014). Power and anti-Power of Gender in Iranian Cinema. Master's Thesis, Faculty of Communication Sciences. Allameh Tabataba'i University. Tehran. [In persian]
- Forati, A. S. (2019). Discourse analysis of the Iranian subject among intellectuals after the revolution. Master's Thesis. Faculty of Social Sciences. Allameh Tabataba'i University. Tehran. [In persian]
- Forster, Luke. (2008). *Louis Althusser*. Translated by Amir Ahmadi Arian. Tehran: Markaz. [In persian]
- Furghani, M., Basirian Jahromi, H., & Mahdavi, S. (2015). Analysis of Member Classification Methods in BBC Persian TV: A Discourse Analysis Approach to Religious Programs Paragar. *Culture-Communications Studies*, 16(61), 87-119. [In persian]
- Habermas, J. (1982). *A Reply to My Critics*. trans. Thomas McCarthy, in John B. Thompson and David Held (eds.) Habermas: Critical Debates, Cambridge: MIT Press.
- Habermas, J. (2013). *Communicative Action Theory Rationality and Rationality in the Living World Society and the Critical System Concept of Functional Rationality Mind*. Translated by Kamal Pouladi. Tehran: Markaz. [In persian]
- Mahdizadeh, M. (2014). *Media Theories: Common Thoughts and Critical Perspectives*. Tehran: Hamshahri Publications. [In persian]
- Moghaddam, M. (2011). Laclau and Mouffe's Discourse Analysis Theory and its Critique. *Ma'rifat-e Farhangi Ejetmai*. 2(2), 91-124. [In persian]
- Rahman, A. (2012). Television and public sphere in Bangladesh: An uneasy relationship. *Media Asia*, 39(2), 83-92.
- Reed, L., & Boyd, D. (2016). *Who Controls the Public Sphere in an Era of Algorithms? Mediation, Automation, Power*. 1-19.
- Soltani, A. (2005). *Power, Discourse, and Language; Mechanisms of Power Flow in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ney. [In persian]
- Tyson, L. (2015). *Literary Criticism Theories*. Translated by Maziar Hosseinzadeh. Tehran: Hekayat Ghalam-e Novin. [In persian]
- Zamani, A., Taghipour, F., & Esmaeili, R. (2022). Strategies for Enhancing Transparency in Iranian Media. *rasaneh*, 33(4), 271-292. [In persian]
<https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.306186.161>

